

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۳

۲۶ جنوری ۲۰۱۸

دولت «وحدت ملی» حافظ منافع زحمتکشان نیست!

برای این که بتوانیم توضیح واقعی از ماهیت دولت «وحدت ملی» ارائه بداریم، مقدم بر همه تعریف واقعی از دولت، چگونگی پیدایش آن، پروسه تکامل دولت، انواع و ماهیت دولت باید معلومات ارائه داریم تا در روشنی آن یک دید کلی از ماهیت دولت «وحدت ملی» داشته باشیم.

دولت محصول آشتی ناپذیر تضادهای طبقاتی است؛ دولت به هیچ وجه نیروئی نیست که خارج از جامعه بر جامعه تحمیل شده باشد. دولت تحقق افکار اخلاقی و جلوه تحقق عقل هم نیست، دولت محصول جامعه در مرحله ای از تکامل آن است. دولت نمایانگر این ادعا است که جامعه تضادهای لاینحل پیدا کرده و به قطب های آشتی ناپذیری که توان رهایی از آن را ندارد، تجزیه شده است. برای این که این قطب ها (طبقات متخاصم) دارای منافع اقتصادی متضاد اند، ضرورت به قدرتی احساس شد که در ظاهر مافوق جامعه است تا از شدت تصادم بکاهد و آن را در چوکات نظم محدود نگهدارد. این قدرت که از درون جامعه برخاسته و خود را مافوق جامعه قرار می دهد و خودش را بیش از پیش با جامعه بیگانه می سازد، دولت است.

در اینجا اندیشه اصلی و علمی درباره نقش تاریخی دولت و اهمیت آن با روشنی کامل بیان شده است. دولت در آنجا، در آن زمان و به این دلیل که تضادهای طبقاتی نمی تواند آشتی پذیر باشد، پدید می آید. وجود دولت ثابت می کند که تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیر اند. دولت دستگاه فرمانروائی طبقاتی، دستگاه حاکمیت یک طبقه بر طبقه دیگر و دستگاه ایجاد نظمی است که به این حاکمیت صورت قانونی می دهد. دولت دستگاه فرمانروائی طبقه ای معین است که با قطب مقابل خود (طبقات مخالف) نمی تواند آشتی پذیر باشد. دولت های طبقات ستمگر برای استثمار طبقات ستمکش به وجود آمده است.

دولت های بورژوازی بنابر خصوصیات استعمارگرانه خویش جوامع عقب نگهداشته شده را زیر سلطه خود آورده و دولت های وابسته، دست نشانده و پوشالی را در آن جوامع بر مردم تحمیل می نمایند که در جوامع نیمه مستعمره نظام های وابسته و دست نشانده و در جوامع مستعمره نظام های پوشالی را حاکم می سازند.

آنچه در بالا تذکر یافت، ماهیت دولت را به شکل فشرده آن از بدو پیدایش آن تا دوران حاضر توضیح می نماید. با چنین توضیحات آیا دولت «وحدت ملی» با این ماهیتی که دارد می تواند حافظ منافع زحمتکشان باشد؟ هرگز!

چون دولت «وحدت ملی» به اشاره بیگانگان ساخته شده و منافع کشورهای دیگر را بر منافع مردم ارجحیت می دهد، روی این اصل این دولت یکی از دولت های فاسد، ضد مردمی و خادم کشورهای بزرگ سرمایه داری است. دولت «وحدت ملی» برای این که بر حاکمیت خود قانونیت داده باشد، سه قوه دولت (مقننه، قضائیه، اجرائیه) را در کنترل خود گرفته تا بر زحمتکشسان ستم روا بدارد و این سه قوه هر کدام وظایف ستمگرانه مختلف دولتی را به اساس ساختار شان انجام می دهند. قوه مقننه قوانینی را وضع و تصویب می نماید که استثمار و ستمگری را قانونی جلوه دهد؛ در ضمن هر حرکت این قوه توأم با فساد بوده و در بعد کاری خود در معامله گری و خیانت به مردم غرق می باشد. قوه قضائیه نیز دارای ساختار ارتجاعی است که فسادش کارد را به استخوان ملت رسانیده و بارها دیده شده که توده ها مجبور می شوند تا دوسیه های حقوقی و قضائی خود را در ارتجاعی ترین دستگاه (طالبان) برای حل و فصل ارجاع نمایند. در غیر آن حل و فصل دوسیه ها، گشتن پشت نخود سیاه است. داستان های فساد در قوه قضائیه وجود دارد که برای انسان های با احساس تکان دهنده است.

قوه اجرائیه که ممثل حاکمیت طبقات ارتجاعی حاکم و دولت پوشالی می باشد، بخش عمده دولت را می سازد و شامل تمامی وزارت خانه ها و ادارات «مسقل» دولت بوده و همه کاره دولت می باشد. فساد در قوه اجرائیه آن قدر وسیع است که تمامی بخش های دولت را با ویروس فساد خود تحت کنترل دارد. روابط معامله گرئی که بین پارلمان و قوه اجرائیه وجود دارد به همگان هویداست. وزیر استجواب می شود؛ از «خانه ملت» مقرر می هائی بر وزیر تحمیل می گردد؛ پروژه هائی به وکلا وعده داده می شود؛ وزیر احضار شده در بدل احضار خود پول های گزافی را به پارلمان سرازیر می نماید.

رسواترین معاملات در زمان اخذ رأی وزراء از وکلای پارلمان است و این معاملات تشت رسوائی دولت پوشالی را از آب بیرون آورده، دولت را رسواتر می سازد. این نه تنها در دولت های پوشالی بلکه دولت های طبقات ستمگر دیگر حتی در «دموکراتیک ترین» دولت های بورژوازی نیز دارای چنین رسوائی های بیشرمانه می باشند. در یک کلام نه تنها دولت پوشالی «وحدت ملی» بلکه تمامی دولی که محصول آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی اند، دارای سرشت ظالمانه و ضد بشری می باشند.

در پهلوی نهادهای دولتی، نهاد های غیردولتی چون کمیسیون های «حقوق بشر» و انتخابات، جامعه مدنی، مؤسسات غیر دولتی داخلی و خارجی و مؤسسات ملل متحد همه نهادهای غیر مردمی بوده و در خدمت استعمار و استثمار قرار دارند.

نتایج کار کمیسیون ها از جمله کمیسیون «حقوق بشر» همه هم و غمش به اصطلاح خشونت علیه زنان می باشد اما فقر، بیکاری، جنایات نیروهای خارجی و غیره را روپوشی نموده چنین وانمود می نماید که از آن ناحیه افغانستان گل و گلزار است. این کمیسیون هرگز بالای موضوعات اساسی چون اشغال، استعمار، استثمار و غیره که عامل همه این بدبختی ها می باشد، تماس نمی گیرد.

نتایج کار کمیسیون «انتخابات» هم بدتر و فساد آمیزتر از کمیسیون «حقوق بشر» می باشد. در جریان کار دوره های «انتخاباتی»، این کمیسیون تثبیت نموده است که «انتخابات» یعنی چه؟ این «انتخابات» همراه با کمیسیون خود تأمین کننده منافع کی ها اند؟ و برای زحمتکشسان چه ارمغانی را به بار آورده است؟ کمیسیون «انتخابات» ثابت نمود که این نهاد هم مانند نهادهای دیگر پر از فساد و تقلب بوده و کارکرد آن به شدت ضد مردمی است.

«جامعه مدنی» سوغات دیگر کشورهای خارجی است که تمام فعالیت هایش در خدمت کشورهای تمویل کننده قرار دارد و از دولت کنونی صرف انتقاد و گله می کند. هیچ گاه به مواردی تماس نمی گیرد که نهاد های «جامعه مدنی» را

در تقابل مستقیم با دولت یا حامیان خارجی آن قرار دهند، زیرا معاشات این نهاد ها توسط کشورهای بیرونی پرداخت می شود.

مؤسسات غیردولتی داخلی و خارجی و مؤسسات ملل متحد همه نهادهائی اند که در خدمت منافع کشورهای قدرتمند سرمایه داری قرار دارند. این نهادها اکثراً به استخدام جواسیس و پرورش آنها مصروف بوده هر کدام که در جاسوس پروری ماهر باشد و جاسوسان زیادی را استخدام و پرورش نمایند، امکانات مالی زیادی زیر پوشش پروژه ها در اختیار شان قرار می گیرد، چون تهداب انجوها با خیانت گذاشته شده است، بناءً در تمام سطوح مصروف خیانت و فساد می باشند.

دولت های ستمگر و نهادهای مربوط به آن حافظ منافع طبقات حاکم می باشند و یا به عبارت دیگر، نهادهای دولتی و غیردولتی همه به شکلی از اشکال وابسته به دولت بوده و چنین دولت هائی حافظ منافع طبقات ستمگر در نظام ستمگرانه می باشند.

زحمتکشان باید در راستای جایگزینی نظامی کار کنند که منافع تمامی مردم زحمتکش در آن مسجل باشد، زیرا دولت کنونی با تمام امکانات و نهادهایش هرگز در فکر رفاه و آسایش طبقات ستمکش نیست. در این دولت کسانی شامل اند که وابسته به کشورهای بیرونی بوده و بسیاری از آنان در گذشته، داغ های برجسته خیانت، جنایت، چور و چپاول را بر پیشانی دارند و هم اکنون نیز از هیچ نوع خیانت، فساد و جنایت در حق زحمتکشان و فرودستان جامعه دریغ نمی کنند. این دولت به هیچ صورت حامی منافع ستمکشان و زحمتکشان نیست. این دولت فقط در تلاش حفظ منافع قلدران، خاینان و فساد پیشگان است. نشت رسوائی فساد و عدم کارائی آن مدت ها قبل از بام افتاده و سروصدای آن در مبارزه علیه فساد، جائی را نمی گیرد.